

سه نگاه مکمل در شناخت آسیب‌های اجتماعی

در اردیبهشت ماه ۱۳۸۲ کمیته تخصصی مسائل و آسیب‌های اجتماعی انجمن جامعه‌شناسی ایران اولین جلسه معرفی و نقد کتاب خود را به سه کتاب در حوزه جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی اختصاص داد: جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی نوشته دکتر داور شیخاوندی، بررسی‌هایی در آسیب‌شناسی اجتماعی ایران نوشته دکتر فریبرز رئیس‌دانا و انحرافات اجتماعی نوشته دکتر جعفر سخاوت. در این جلسه پس از معرفی اجمالی کتاب‌های یاد شده توسط مؤلفین، به سؤالات حاضران، پاسخ داده شد. شرکت‌کنندگان در پرسش و پاسخ این افراد بودند: حسین هاتفی اردکانی (مرکز تحقیقات ناجا)، ابوالقاسم فاتحی، شیرین افشین‌نیا، محمدعلی حسن‌نواد، محمدرضا مهرآیین، دکتر محمدرضا مشکاتی (دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر محمد عبداللهی (رئیس انجمن جامعه‌شناسی)، دکتر نیره توکلی و پروانه آستین افشان (دفتر اجتماعی وزارت کشور) گزارش این نشست را که انجمن جامعه‌شناسی ایران در اختیار نشریه قرار داده است، می‌خوانید.

سخاوت: انجمن معرفی و نقد کتاب‌های جدید را وظیفه خود می‌داند. خصوصاً وزارت علوم انتظار بیشتری از سازمان‌های غیر دولتی دارد و این جلسه نقد می‌تواند مبنایی برای کارهای بعدی باشد.

رئیس دانا: با سیاس از انجمن شرط موفقیت جلسات نقد کتاب، شرکت فعالانه در این گونه جلسات است. برای نقد باید مجهز به ابزار آن باشیم. اول اینکه به خود قضیه وقوف داشته و دوم اینکه ابزارها و روش‌شناسی تحلیل آن را در اختیار داشته باشیم. سوم آگاهی به فن و دانش نقد است.

این را به طور ضمنی می‌پذیریم که نقد کردن سنت خوبی است که کمتر تجربه شده است. لذا هنوز شیوه‌های نقد کردن و ابزار محک زدن پخته نشده است. لیکن ما به نقد نقد نیاز داریم. ما بحران نقد داریم و این جلسات می‌تواند راهی برای پیدا کردن ابزار نقد باشد.

من در مقایسه با دو کتاب دیگر (یعنی کتاب‌های دکتر شیخاوندی و دکتر سخاوت) کتاب کاملی نیست و اگر بنا باشد به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار گیرد. باید در واقع مکمل دو کتاب دیگر (یا reading) باشد. دکتر شیخاوندی در کتاب جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی به نظریه‌ها و تجربه‌های جهانی و تحقیقات مهم و یافته‌های کاربردی می‌پردازد. بنابراین بدون خواندن این کتاب ما معیار محک زدن را نداریم. از سوی دیگر کتاب دکتر سخاوت اصول لازم آموزشی را مطرح

می‌کند. در مقابل کتاب من بیشتر نمونه‌هایی بدست می‌دهد برای نقد کردن، برای آشنایی بیشتر با تحقیقات کاربردی در پژوهش‌های موردی. بنابراین نمی‌تواند یک کار پایه‌ای باشد. به جز فصل اول که شامل تعاریفی از هنجار و انحراف و عوامل و انگیزه‌های آسیب‌های اجتماعی و روش‌شناسی است. این فصل را می‌شود برای متن درسی مورد استفاده قرار داد، چه در کشف علت و چه در رویکرد آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی؛ مثلاً در شناخت روش پوزیتیویستی و در رویکرد و روش آگزیستانسیالیستی. اما اهمیت آموزشی آن دو کتاب را ندارد و فقط در حد مدخل ورود به دیگر مباحث کتاب است.

کتاب من به جز فصل اول که نظری و روش‌شناختی است هشت مورد آسیبی را در ایران مورد بررسی قرار داده و تحلیل کاربردی کرده است. روش‌شناسی من پوزیتیویستی نیست و حتی وقتی درباره ناهنجاری‌های زندگی اجتماعی معلمان از این روش استفاده کردم. من البته روش اثباتی را صد درصد مردود نمی‌دانم و آن را یکسره رد نمی‌کنم. اما رویکرد من به مسائل و آسیب‌های اجتماعی این بوده است که کمترین توجه را به روش‌های اثباتی بکنم. یعنی ملاحظه مشاهدات محدود و قراردادن آنها در قالب‌های آماری و بعد جمع بندی و نتیجه‌گیری. مطابق روش‌هایی که در آزمایشگاه تعیبت می‌شود. البته روش میدانی می‌تواند در قالب روش غیر اثبات‌گرایی قرار گیرد و من از آن سود برده‌ام. به هر حال به روش اثبات‌گرایی به عنوان یک روش کامل اعتقاد

ندارم. با اینکه کار و تخصص من آمار و اقتصاد سنجی است، اما اعتقاد ندارم که این روش بتواند کاملاً ریشه آسیب‌های اجتماعی را نشان دهد و جدی‌ترین و لازم‌ترین بخش‌های واقعیت را نشان دهد. این انتقادی است که من در این فصل کردم، اما نمی‌شود گفت که دستاوردهای علم بشری مثلاً اقتصاد سنجی در علم اقتصاد یا کاربرد آمار یا دستاوردهای پوزیتیویستی در جامعه‌شناسی موقوف. اما من بیشتر در چارچوب روش سیستمی کار کردم. مرزهای سیستم موجود باید شناخته بشود، ساز و کارهای آن شناخته شود و علل به وجود آمدن و علل اصلی انحراف اجتماعی در این نظام باید مشخص و ریشه‌یابی گردد.

اما در مورد هشت بررسی یکی از آنها آسیب‌هایی است که اساساً به رشد شهری مربوط می‌شود. «خاک سفید»، «میدان انقلاب» و «میدان آزادی» به مثابه جایگاه‌های انحراف که شهر به ارمغان می‌آورد. نمونه هایش را می‌توان در شهرهای بزرگ کشورهای کم توسعه و نیمه توسعه یافته و صنعتی دید. نمونه‌ها را من در تهران ارزیابی کردم. شهر یک سیستم است. این سیستم اگر ساختار و کارکردش ناپهنجاری ساز باشد، این عوارض و بیماریها را بروز می‌دهد.

در محله‌هایی که مشخصات ویژه‌ای دارند. سه محله با سه ویژگی مشخص: ۱) «میدان آزادی» بسیار بزرگ و بسیار پر تردد است که در روز ۶۰۰۰ نفر از آن عبور می‌کنند که شمار زیادی از آنان کارگرد. ۲) «میدان انقلاب» که میدان انتظام بخش ترافیکی و میدان آشنا و قدیمی است ۳) محله مسکن ناپهنجار یا آسیب دیده «خاک سفید».

در بررسی بعدی به بزهکاری کودکان و نوجوانان پرداختم. در اینجا هم رویکرد من یک رویکرد اقتصادی است. معنی اش این نیست که انگیزه‌های دیگر مثل تربیتی و اجتماعی یا ناپهنجاری‌های اجتماعی که جامعه‌شناسان مستقیم به آن نگاه می‌کنند، نقشی ندارد. بلکه من رویکرد این است و اجازه ندارم در حوزه‌های دیگری که تخصص ندارم وارد شوم. نخواستم به چشم یک جامعه‌شناس حرفه‌ای به قضیه نگاه کنم و با زاویه دید خودم نگاه می‌کنم. فصل مشترک زاویه اقتصادی من فقر، و ناداری خانواده و نداشتن امکانات است که موجب افزایش انگیزه بزهکاری کودکان و نوجوانان می‌شود. در بررسی چهارم بحثی را مطرح کرده‌ام که تاکنون کمتر مطرح شده است و به همت همایش آسیب‌های اجتماعی آن را برای اولین بار در سطح سمینار مطرح کردیم و آن هم فساد اداری و مالی است. بحثی که اگر بخواهیم مستقیم به آن بپردازیم باید وارد حوزه سیاسی شویم. یعنی سیاست‌کاران ناپکاری که انتخاب شده از سوی مردم نیستند، نظارت دموکراتیک بر آنها وجود ندارد و به واسطه قدرت راه‌حلهایی پیدا می‌کنند و از مجازات فرار می‌کنند و این را به مثابه یک آسیب دیدم نه یک بحث سیاسی. بحث این است که چگونه می‌شود این جنایتکاران مالی - اداری زیر عدسی قرار نمی‌گیرند و شناسایی نمی‌شوند. در این بررسی تقصیر را به گردن این و آن نینداختم بلکه همین سیستم را ارزیابی کرده‌ام که چگونه کسانی را بیرون می‌دهد.

بررسی بعدی که بسیار هم به آن علاقه‌مند هستم، بررسی مربوط به خودکشی است که در آن یافته‌های عجیبی یافتیم که برای اولین بار در ایران مطرح شده است. این علاقه من به مقوله خودکشی شاید شما را بترساند (و شاید ترسانند) به هر حال در شرایطی که فعلاً هستم براساس هنجارهای پر فراوانی در بهترین موقعیت خودکشی هستیم. به لحاظ سنم، به لحاظ موقعیت مالی‌ام، موقعیت اجتماعی و به لحاظ علاقه‌ام به این رشته و به خاطر علاقه زیادم به صادق هدایت. قاعدتاً من باید به این کار اقدام بکنم. اما بررسی و نمونه‌ها نشان می‌دهند که در ایران هنجارها چندان هم این گونه نیست. یعنی هنجارهای خودکشی در ایران به زیان

زنان است. در حالی که در سراسر دنیا این گونه نیست. یعنی از هر ۵ خودکشی موفق ۴ تا مرد است در ایران برعکس ۶۰٪ از ایشان زن‌اند. سن من سن مناسبی برای خودکشی است. سن بین ۶۰-۵۰ سال سن مناسبی است ولی در ایران هنجار خودکشی به سنهای پایین منتقل شده است. شهرهای بزرگ و محله‌های نسبتاً پر ازدحام بیشترین امکان را برای خودکشی می‌دهد. اما در ایران چنین نیست. آمار نشان می‌دهد که در شهرهای عقب مانده مثل ایلام و خرم آباد نرخ خودکشی‌ها بالا بوده است. در اینجا دیدگاه‌های مختلفی از دورکیم که پایه‌گذار جامعه‌شناسی است و همچنین دیدگاه مارکسیستی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بررسی ششم به روش پوزیتیویستی است چرا که، هم قلمرو و هم پژوهش من این گونه بود. در اینجا چند شغلی بودن را در بخش آموزش مورد بررسی قرار دادم به مثابه یک آسیب می‌شود این را دید یا ندید. من هم می‌پذیرم که از نگرش چند شغلی بودن به عنوان آسیب انتقاد شود. به هر حال چند شغلی بودن معلمان آثار منفی بر روی تواناییهای آموزشی آنان می‌گذارد.

بررسی هفتم درباره خودروها و آدمهاست که می‌خواهیم ببینیم به مثابه یک آسیب آن را می‌توان شناسایی کرد یا خیر. تا آنجا که به رفتارهای ترافیکی، به فرهنگ رفت و آمد شهری مربوط می‌شود، این انحراف، آسیب تلقی می‌شود، که با نادیده گرفتن مقررات رانندگی، با آگاهی، به جان دیگران خطر می‌اندازند. یعنی نوعی بزهکاری. مثل باج‌گیری، قانون شکنی، شراوت. شاید هم نوعی تربیت و رفتار است.

بحث دیگر من در کتاب، زندگی سالمندان است که وقتی حمایت‌های اجتماعی و بیمه‌ای ندارند و نظم سنتی در جامعه از هم گسیخته شده و کسی نیست مواظب پدر و مادرها باشد، خانواده‌ها هم جا ندارند هم بودجه، وضع سالمندان اسف بار می‌شود. این به حرمت و امنیت اجتماعی صدمه می‌زند. یعنی نیروی کار را نا امید می‌کند و آینده‌ای تیره پیش روی جوانان می‌گذارد و هر کسی را می‌کشاند به این سمت که تا حد امکان جیبش را پر بکند که اگر نداشته باشم عاقبت من این است.

آخرین بحث درباره زنان و تبعیضهای جنسی در مورد آنان است. شغل‌هایی که خانمها استعدادش را دارند ولی آن شغل به آنها داده نمی‌شود و حق‌الزحمه پایین‌تری هم به آنها داده می‌شود که با آمارهای رسمی کار شده است.

سخاوت: ضمن تشکر از توضیحات دکتر رئیس‌دانا. من هم اشاره کوتاهی می‌کنم به کتاب انحرافات اجتماعی که با پیشنهاد دانشگاه پیام نور به تحریر در آوردم. شناخت انگیزه‌های اجتماعی رفتار انسان یک هدف کلی در این کتاب است. رفتار انسان بسیار پیچیده است و شاید این کتاب بتواند در این راستا کمکی باشد. جای چنین کتابی در بین کتابهای جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی خالی بود. به خصوص در جامعه فعلی ایران که مجموعه‌ای از آسیب‌های اجتماعی در آن به چشم می‌خورد. واقعاً انگیزه‌های رفتار آدمی در برخی موارد انگیزه‌های روان‌شناسی است و در برخی موارد به چگونگی اعتقادات اخلاقی مربوط می‌شود. در بحثهای جامعه‌شناسی هدف اساساً این است که انگیزه‌های گروه‌های مختلف اجتماعی برای رفتار چه هنجار و چه ناپهنجار را بشناسیم.

چرا انگیزه برای یک نوع کار یا خطا بیشتر است؟ تحقیقاتی که در جوامع شهری به عمل آمده نشان می‌دهد که رفتارهای ناپهنجار انگیزه‌های مشترکی دارد. این امر مورد توجه جامعه‌شناس است. در این کتاب تلاش شده که خواننده پاسخ به این سؤاها را بیابد که چرا این رفتارها در جامعه اتفاق می‌افتد. البته برای من روشن نیست که این کتاب تا چه حد توانسته است به این سؤاها پاسخ دهد.



شیخاوندی

در فصل پایانی کتاب، اعتیاد به عنوان یک موضوع مطرح شده است. در جامعه ما اعتیاد توانسته است گروههای اجتماعی خاصی را بیشتر طعمه خودش کند. مسأله این است که چرا اعتیاد در بخشهای خاصی از جامعه گسترش بیشتری دارد و چه عوامل اجتماعی در این مسئله دخالت دارد؟

شیخاوندی: من از جمله آخر شروع می‌کنم یعنی مسائل جامعه‌ی. احساس من این است که در حوزه جامعه‌شناسی جایگاه «اجتماع» و «جامعه» را مشخص نکرده‌ایم. در حدود ۵۰ سال از تدریس آسیب‌شناسی در ایران می‌گذرد و حداقل ۳۰ سال آن به طور متون بوده است. زیرا چاپ اول کتاب آسیب‌شناسی من در سال ۱۳۵۰ در «مدرسه عالی مددکاری» بوده است.

تحول جامعه‌شناسی، خصوصاً از نظر واژگان و از نظر محتوا، آن طور که شاید و باید چشمگیر نبوده است. در کشورهای انقلابی انقلاب زده انتظار داشتیم حوادث مسائل تازه‌تری را مطرح بکنند و

از درون آنها رهنمودهای خاصی، بینش‌های خاصی و زبان خاصی هم بوجود بیاید. متأسفانه تا به حال چنین اتفاقی نیفتاده است. من تمام مسائل مربوط به جامعه را حداقل به سه حوزه تقسیم می‌کنم. اجتماعی، جامعه‌ی و جامعه‌ی (Societal).

«اجتماعی» در حوزه‌های آشنایان است. بیشتر در خانواده و محیط کوچک رخ می‌نماید و معادل فرانسه آن Communaute و انگلیسی آن Community است و آسیبهایی که در حوزه وفاق صورت می‌گیرد. جامعه‌ی، حوزه نفاق است. حوزه رقابت و حوزه سودجویی‌ها و حوزه قراردادهای که در حوزه مدنی اتفاق می‌افتد. حوزه جامعه‌ی دولت است که بخش عمده‌اش را دکتر رئیس دانا اشاره کردند. در واقع خیلی از کشوروندان قربانی اقدامات دولتی در کل کشور می‌شوند، به این دلیل جنبه جامعه‌ی دارد. مانند مواد مخدر چون جامعه شمول است. دولت است که با آن مبارزه می‌کند و نه اشخاص؛ به این ترتیب جنبه جامعه‌ی دارد. ناتوانی دولت هم در این زمینه جنبه جامعه‌ی می‌یابد.

به این ترتیب نگرش به مسائل جامعه اصلاً فرق می‌کند و جای شگفتی است که ما جامعه‌شناسی حرف می‌زنیم اما صفت آن را از اجتماع می‌گیریم. این امر به خاطر نبود صفت از جامعه است. اگر ما بتوانیم نگرشمان را به این سه حوزه کاملاً متمایز و دقیق کنیم انگیزه‌هایش فرق می‌کند، شکلش فرق می‌کند، نمودش فرق می‌کند. با تفکیک این سه حوزه احتمالاً، هم می‌توانیم در کارهای تحقیقی دقیق‌تر باشیم و هم احتمالاً راهکارهایی که از این سه حوزه بر می‌خیزند می‌توانیم به طور جامع‌تر حداقل راهکارها را برحسب سه بعد فوق پیشنهاد بکنیم. دولت باید چه کار بکند، مردم چه کار باید بکنند و خانواده‌ها و حوزه‌های کوچک‌تر، یعنی حوزه وفاق چه کار باید بکنند.

به همین مناسبت دوستانی که به این واژه‌ها آشنایی ندارند، با «دست اندازی» واژه‌ها برخورد می‌کنند.

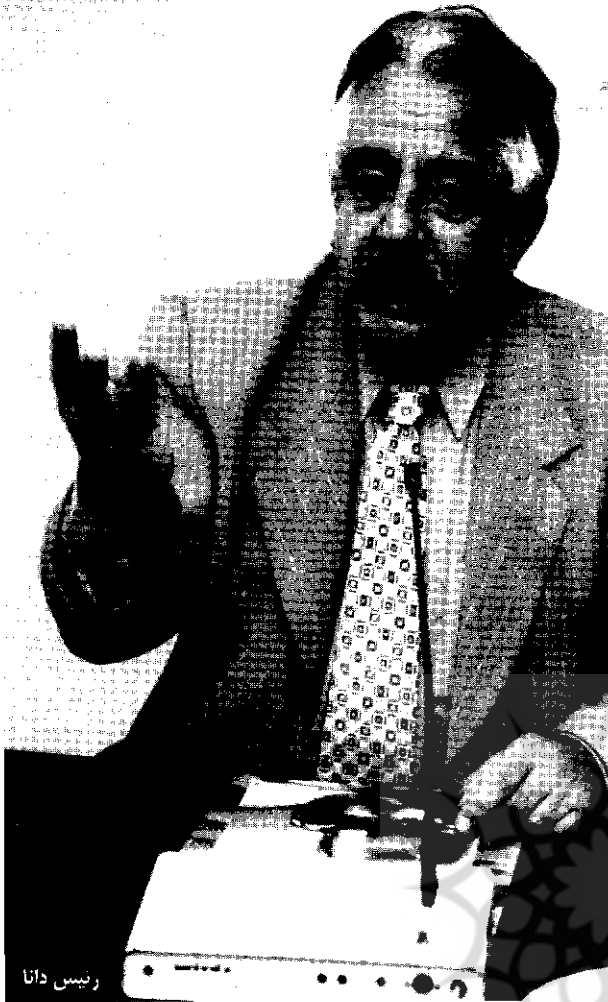
بلافاصله من معادلهای این واژه‌ها را در کتاب نوشته‌ام. کتاب دارای ۱۲ بخش است. برخی از حوزه‌ها، مانند نظریه‌ها، جنبه کلان دارد ولی در

شیخاوندی:

من دو فصل تمام را به نظریات پرداخته‌ام، اما در هیچ کتاب درسی مجموع نظریات دیگران را نقد نمی‌کنند

رئیس دانا:

من روش اثباتی را صد درصد مردود نمی‌دانم اما رویکرد من به مسائل اجتماعی این بوده است که کمترین توجه را به روشهای اثباتی داشته باشم



رئیس دانا

اعلام می‌کرد که ما قطعاً داریم برخورد می‌کنیم. هیچ کس به اندازه خود من، حتی همکاران محقق خارجی من در مؤسسه «مکس پلانک» (مؤسسه مبارزه با جنایتهای بشری که جنایتهای جنگی و هروئین را نیز در بر می‌گیرد)، نمی‌داند که نیروی انتظامی ایران دارای یکی از فداکارترین بخشهای همه تاریخ مبارزه با مواد مخدر در جهان است (نه این که همه جای آن البته این چنین باشد). همه این موضوع را می‌دانند. بنابراین لزومی نداشت که ما برای به رخ کشیدن قاطعیت برخورد در مورد خاک سفید وارد عمل شویم و کار اشتباه کنیم و «خاک سفید» را خراب کنیم. من اینجا طرحی را داده بود که در آن اصلاح «خاک سفید» مورد نظر بود. این اصلاح شامل خیابان کشیها و احداث مؤسسات رفاهی بود و بر بنیاد یافته‌های جامعه‌شناسی و اقتصادی پیشنهاد شده بود. این هم از صافی نظر انتقادی و تصویب گذشت. وقتی شورای عالی شهرسازی تصویب کند قانون می‌شود. همه قوانین توسط مجلس قانون نمی‌شود. این طرح را شورای عالی شهرسازی تصویب کرد، پس قانون بود. بنابراین، آن کاری که در سال ۱۳۸۰ صورت گرفت (بولدوزی کردن «خاک سفید») به نظر من کار اشتباهی بود و خلاف آن چیزی بود که ما پیشنهاد کرده بودیم. من چهارماه بعد از یکی از مسئولان خبر شجاعانه‌ای شنیدم. اعلام شد قیمت مواد دوباره پایین آمده است و دوباره فروشندگان مواد در خاک سفید جمع شده‌اند ما فقط آنها را جابجا کردیم و نتوانستیم برخورد اساسی بکنیم. به

مصادیق آنها جنبه خرد می‌یابند. در مورد آمارها که دکتر سخاوت به عنوان موارد منفی کتابها اشاره کردند، باید بگویم گرچه خیلی آمار دقیقی نداریم ولی من از سال ۱۳۵۰ آمارهای زندانیان را در جداول متعدد منتشر کرده‌ام و حدود ۲۴ صفحه که در سطح کلان کشوری است. درست در قطب مقابل کتاب دکتر رئیس دانا که بیشتر مونوگرافی و موردی و در شکل خرد میدانی است، در مورد زمان و مکان معین و مشخصی است و احتمالاً دستاوردهایش کمتر قابل بحث است.

خیلی خوشحال می‌شوم که خیلی واضح و آشکار به نقد این کتابها بپردازید. یک روزی در مقدمه این کتاب نوشتم که «تکامل ما در تضاد ماست». در مقدمه چاپ اول این کتاب، در سال ۱۳۵۰ بود. نقد بی‌دریغ و بزرگ شما می‌تواند موجب کمال آثار کوچک ما باشد.

هاتفی اردکانی: کتاب دکتر رئیس دانا را تا الان ملاحظه نکرده بودم. در مورد چاپ کتاب یک مورد به نظرم رسید. چاپ کتاب در سال ۱۳۸۰ بود و تحقیق ایشان و تحقیق موردی که ایشان راجع به «خاک سفید» انجام دادند و برای من که عضو نیروی انتظامی هستم این مسئله ساز است. نظر دکتر پیرامون عملکرد نیروی انتظامی در برخورد با «خاک سفید» از منظر آسیبهای اجتماعی است. اما در این کتاب به مسئله آسیبها اشاره نشده است. پیشنهادهایی را ایشان در کتابشان ارائه کرده‌اند و گفته‌اند به گونه دیگری انجام شد. آیا این به عنوان پدیده اجتماعی قابل تأمل است؟

رئیس دانا: در مورد «خاک سفید» طی مقدمه‌ای در این کتاب اشاره کرده‌ام و بعد از اینکه واقعه «بلدوزینگ» خاک سفید اتفاق افتاد، من مقدمه تازه‌ای، قبل از چاپ در ابتدای مقاله گذاشتم. من در آنجا یادآور شدم که آن روش از نظر من غلط است و آن را تأیید نمی‌کنم. اما نظر جنابعالی را هم دایر بر اینکه گفته‌ام این صرفاً اختراع عملکرد نیروی انتظامی بوده است نمی‌پذیرم. به نظر من این تصمیم از طرف نیروی انتظامی و از طرف محققین نیروی انتظامی گرفته نشده است. اتفاقاً گویا محققین نیروی انتظامی، معاونت اجتماعی و یا دیگر محققین قوه قضائیه با این روش چندان موافق نبودند. در اقتصاد بهتر می‌توانم مثال بزنم. در اقتصاد هر روشی که برای اصلاح امور پیش می‌گیریم، یک اصل وجود دارد که متخلفانی این تصمیم علمی و قانون شده را زیر پا می‌گذارند. بنابراین نمی‌توانیم بگوئیم، اقتصاد بیاید قانونی بگذارد که مثلاً قاچاق نباشد. یک اقتصاد تصمیم می‌گیرد جای واردانش ممنوع است. این از صافی نظرات کارشناسی می‌گذرد و مجلس یا مسئولان تصویب می‌کنند. باز یک عده می‌خواهند سوءاستفاده کنند.

موقعی که می‌گویند واردات چای ممنوع یک عده‌ای می‌خواهند برونند چای از خارج بیاورند، بنابراین تازه قیمت چای بالا می‌رود. در اینجا است که از نیروی انتظامی استمداد می‌شود که این تصمیم گرفته شده است. و نیروی انتظامی در چارچوب مدیریت و توانایی خودش باید وارد عمل جلوگیری از قاچاق شود. مواد مخدر هم همین‌طور است. وقتی برعکس دستوری صادر می‌شود که برخی از مواد مخدر را مشکلی نداریم که وارد بشود. فکر نکنید که نیروی انتظامی باید وارد این بخش شود و بگوید من شخصاً می‌خواهم برخورد بکنم. برگردیم و در مورد «خاک سفید» بگویم که آن تصمیم نادرست بود. ما نباید این کار را می‌کردیم. زمانش برای من تردید برانگیز است. وقتی صورت گرفت که گروههای مبارزه با مواد مخدر انگلستان به ایران آمده بود و ایران هم مرتباً

من جامعه شناسی را که علت العلل پدیده را نمی بیند و دلایل را خرد می کند رد می کنم و به دنبال علت العلل که تبعیض و نبود عدالت اجتماعی است می روم

و یا از جذابیت آن می کاهد. به همین دلیل من فکر می کنم کتاب جامعه شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌شناسی دکتر شیخوندی بسیار شیوا و به صراحت و با یک تحلیل جامعه شناسانه روی این روابط صحبت کرده است. شیرینی کلام تا آنجا است که کشش عجیبی به کتاب می دهد و بی خود نیست که به چاپ پنجم رسیده است می خواستم همین جا از هر سه تشکر کنم. کتاب دکتر سخاوت هم همین طور است. لذا پیشنهاد می کنم هر دو کتاب به عنوان کتابهای درسی در کنار هم مورد استفاده دانشجویان قرار بگیرد.

کتاب دکتر رئیس دانا هم به لحاظ مجموعه مقالاتی که از تحقیق برآمده کتاب خوبی است.

هر مقاله توانایی بررسی و تحقیق در جاهای مختلف کشور را دارد. هرچند از انسجام نظری برخوردار نیست. این کتاب می تواند صرفاً به عنوان کتاب مکمل درسی تخصصی جهت مطالعه پیشنهاد شود.

حسن نژاد: این کتابها از لحاظ لغوی غلطهایی دارند. نویسندگان باید قبل از اینکه این کتابها را به چاپ برسانند، توجه کنند. به خصوص کتاب دکتر شیخوندی که من در فهم آن می ماندم یعنی، هم از لحاظ ویرایش و هم از نظر غلط.

کتاب دکتر سخاوت به لحاظ منبع نویسی دچار نارسایی است. متنی آمده است ولی اصلاً ارجاع ندارد. در این کتابها منبع نویسی خیلی مشکل دارد. اما در کتاب دکتر رئیس دانا یک مقداری کم لطفی در حق جامعه شناسان کردند. جامعه شناس امریکایی دکتر نلسون از افتخارات جامعه شناسی است و نظریاتی دارد که تأثیر شگرفی روی چارچوب نظری آسیبهای اجتماعی داشته است.

دکتر رئیس دانا تحقیقات جامعه شناسان و به خصوص جامعه شناسان امریکا را زیر سؤال برده اند. سؤالی که دارد این است که چرا با وجود این نظرات آسیب برقرار است؟ آیا نظریه ای که ارائه می شود می تواند مسئول رفع یا ایجاد آسیب باشد؟ نکته دیگر تقلیل آسیبهای اجتماعی به فقر است. یعنی به مسائل دیگر و مسائل بین ذهنی توجهی نشده است. به مسائل فرهنگی آنچنان که من برداشت کردم، کمتر توجه شده و از بعد روان شناسی و همچنین ساختار اجتماعی هم کمتر مورد توجه قرار گرفته و بیشتر به نقد پرداخته شده است.

کتاب دکتر سخاوت بسیار جالبی است. کتاب با این هدفی که اول گفتند خیلی تناسب دارد: آشنایی با دیدگاه صاحب نظران آسیبهای اجتماعی و بالابردن قدرت تحلیل خوانندگان. فکر می کنم این کتاب کاملاً توانسته است این مطلب را برساند. کتاب بسیار علمی است و در بین کتابهایی که من تا به حال خوانده ام مانند این، کتابی در تحلیل نظریات ندیده ام. اگر دکتر به نقد نظریات بیشتر می پرداختند بهتر بود. در مورد آماری هم که از روزنامه کیهان دادند، زیاد معتبر نیست و ما منابع بهتری در این زمینه داریم.

در رابطه با کتاب دکتر شیخوندی واژه های جامعه‌شناسی یا جامعه‌شناسی ممکن است درست باشد اما واقعاً در درک کتاب مشکل ایجاد کرده است. چه بسا که جامعه‌شناسی باید جایگزین اجتماعی شود و اجتماعی غلط است. من در این بحثی ندارم اما اگر معادلها نوشته می شد، بسیار بهتر بود. بعضی اوقات به فرهنگ هم که مراجعه می کردم، نمی فهمیدم و از آن رد می شدم. یا مثلاً پسوندهای «وند» و اینها را آوردند ای کاش معادلها را مقابل آنها ذکر می کردند. دکتر سعی کرده اند مسائلی را هم بیاورند که جنبه دایره المعارفی

سخاوت:

علت بی توجهی به مسائل روانی در کتاب من،

این است که هر رشته ای باید مسائل اجتماعی را

از زاویه دید مختص به خود بررسی کند

این ترتیب من گمان می کنم که آن عمل نادرست بوده و یا سیاستهای علمی همخوانی نداشته است و من این عمل را به عهده نیروی انتظامی نمی گذارم، بلکه به عهده کلیت سیاستگذاری این حوزه می دانم. نیروی انتظامی مجری بود، در واقع ناظر بود، حتی مجری هم نبود.

فانحنی: نکات مثبت (کتاب دکتر رئیس دانا) قابل تقدیر است، منتها چند نکته در این کتاب وجود دارد. یکی چارچوب نظری که باید یک مقدار پالایش شود و در تناسب با مسائلی که می خواهد به آن پردازد، قرار گیرد تا یک پیوستگی بین آنها به وجود آید (بین چارچوب نظری و مسائل مطرح شده در کتاب) دیگر اینکه متغیرهایی مانند رشد شهری و خودکشی و تصادفات، می توانند دارای یک همبستگی مصنوعی باشند که لازم است مد نظر قرار گیرد. نکته دیگر واحد تحلیل است که در کتاب به دقت به آن توجه نشده است. به عنوان آخرین نکته باید عرض کنم که در طرح مسائل کتاب، اولویت بندی صورت نگرفته است. در هر حال، اگر این کار مورد تجدید نظر قرار بگیرد، بهتر خواهد بود.

افشین نیا: من هر سه کتاب را مطالعه کردم. همان طور که جامعه شناسان می دانند در یک نظام اجتماعی روابط بین نهادها، اصولاً ساختار را می سازد و ساخت ساختارها از روابط بین آنها است اما چرا این روابط به وجود می آید؟ در واقع این چرایی است که ذهن هر خواننده را به طرف خودش می کشاند. حضور این چرایی است که به یک کتاب جذابیت می دهد

به این کتاب داده است. ولی ای کاش با این زحمتی که کشیدند رابطه میان پدیده جرم و مسائلی را که مطرح کردند بیان می کردند.

مهرآیین: زحمت بزرگان را من دقیق مطالعه نکردم. لیکن موضوعی که به نظرم می رسد اینکه ما بیشتر به مسائل خرد، بدون ارتباط با مسائل کلان می پردازیم. مسئله ای که متوجه شدم این است که یک ارتباط خوبی بین این سه کتاب وجود دارد. فکر می کنم اگر ما بتوانیم جزئیات مربوط به یک مسئله را بیان کنیم، این درست است. اما موضوع باید در کلیت آن مطرح شود و من فکر می کنم یک ارتباط خاصی بین اینها وجود دارد و این سه کتاب می توانند مکمل هم باشند. کتاب راهنمایی که در حوزه های مختلف برای علاقه مندان موجود نیست. من فکر می کنم مسائل ریشه ای وجود دارد که نهادهای دولتی واقعاً نتوانسته اند

آنها را حل بکنند که ریشه ساختاری دارند. امیدوارم بین حوزه های جامعه شناختی یک ارتباط منطقی وجود داشته باشد تا به صورتی کاربردی بتوان از همه نظرات در این زمینه استفاده کرد.

مشکاتی: من دو کتاب را دریافت کردم. فصل اول کتاب دکتر سخاوت و فصل اول کتاب دکتر رئیس دانا را مطالعه کردم و قضاوت من متکی به همین مختصر است.

به نظر می رسد که این سه کتاب با سه دیدگاه مختلف نوشته شده ولی اینجا شما آنها را با هم مقایسه کردید و به هم ربط دادید. کتاب دکتر سخاوت کتاب نظری، درسی و دانشگاهی است.

کتاب دکتر سخاوت هم خوب نوشته شده ولی کامل نیست یعنی از حدود ۴۰ تا ۵۰ نظریه که در مورد جرم وجود دارد مثلاً دکتر سخاوت اکتفا کردند به سه، چهار تا از آنها. از لحاظ شمول و جامعیت هم آن شمول را ندارد. ولی به عنوان یک درس، آن هم در پیام نور با آن ساختارش که دانشجو خودش باید بخواند کتاب خوبی است. ولی جای اصلاح دارد و اگر بخواند در دانشگاه تهران تدریس بشود، خیلی باید بیشتر روی نظریه ها کار شود.

کتاب دکتر رئیس دانا یک کتاب کاربردی است و من احساسم این است که دکتر رئیس دانا یک پروژه مشاوره ای داشتند و کاری انجام دادند و یک گزارشی نوشتند. لذا در اینجا در قید و بند مبنای نظری و سخت گیری های آکادمیک نبوده اند. به نظر من در قسمت اول که پنبه جامعه شناسان را زده اند خیلی بی انصافانه است. برای اینکه هر کدام از این رفتارها و حرکات، هم از دید جامعه شناختی و هم از دید روان شناسی یک دلایل و تبیینهایی دارد و همین که ما بگوییم به این دلیل که آنها چون قالبی دارند که در آن بررسی می کنند و من می خواهم خودم را از آن قالب بیرون کنم و مسئله را با دید خودم بررسی بکنم، رفع مسئولیت نمی کند. این یک کتاب کاربردی است و بسیار جالب است که به عنوان نمونه کاربردی به دانشجویان نشان داده بشود که بالاخره اگر شما بخواهید یک مسئله اجتماعی را بررسی کنید، چگونه باید به آن نگاه بکنید. البته یک



سخاوت

سخاوت:

شناخت انگیزه های اجتماعی و مشترک رفتار انحرافی
هدف کلی کتاب من است

شیخاوندی:

تحول جامعه شناسی خصوصاً از نظر واژگان
واژ نظر محتوا
آن گونه که شاید و باید چشمگیر نبوده است

مهرآیین:

من فکر می‌کنم بین این سه کتاب ارتباط خاصی وجود دارد و می‌توانند مکمل هم باشند

تناقض هم دیدم. شما فرمودید که در «خاک سفید» یک بررسی انجام شده است. هدف آن چه بوده است؟ حتماً باید کار یک هدفی داشته باشد؛ گو اینکه مثلاً در بررسی ششم آمده است، اما در بررسی پنجم خودکشی، هیچ هدفی در آنجا دنبال نمی‌شود. یک توصیف است. خودکشی نهادین و خودکشی رهایی بخش. منظور نویسنده از بررسی این موضوع چیست؟ یعنی هدف چیست؟ آیا من می‌خواهم نظریات ابراز شده را رد بکنم به دلایل عینی که در جامعه مشاهده می‌کنم؟ آیا می‌خواهم تأیید بکنم، به همان دلایل عینی که وجود دارد یا می‌خواهم تکمیل بکنم؟ در بخشهای دیگر هم این اشکال وجود دارد. مثلاً این که من وقتی خاک سفید را به دقت می‌خواندم بالاخره متوجه نشدم محقق یا مؤلف دنبال چیست؟ می‌خواستند بدانند چرا «خاک سفید» به این روز درآمده است؟ می‌خواستند بدانند در «خاک سفید» چه تیپ و چه طبقه‌ای زندگی می‌کنند؟ می‌خواهد بفهمد که راههای درمان «خاک سفید» و «خاک سفیدها» چه بوده است؟ البته در قسمت آخر گزینه‌هایی برای حل این مسئله دادند که بیشتر جنبه اقتصادی نگر دارد تا جنبه جامعه‌شناسانه یا جرم‌شناسانه.

مشکاتی:

من وقتی گزارش خاک سفید را در کتاب دکتر رئیس دانا خواندم متوجه هدف محقق نشدم:

آیا به دنبال بررسی علل مشکلات این منطقه بوده است یا به دنبال تیپولوژی طبقاتی که در آن ساکن بوده‌اند و یا به دنبال راههای درمان مشکلات آن منطقه؟

ممکن است جرم‌شناس یا جامعه‌شناس نظری داشته باشد که با مسئله اقتصادی کاملاً متفاوت باشد. بنابراین من پیشنهاد می‌کنم که اگر با رویکرد اصلاحی این بررسیها انجام می‌شود، اولاً باید یک تیم جامعی باشد که موضوع از همه جهات دیده شود و یک نفر نمی‌تواند مسئله به این پیچیدگی را از یک جهت بررسی بکند و دوم اینکه بالاخره باید به یک چیزهایی پایبند باشد. یعنی که طالب تحقیق اجتماعی و نظریه‌هایی که عرضه شده باشد و اگر نظریه‌ها ناقص‌اند خوب، نظریه تکمیلی بدهد.

اما کتاب دکتر شیخاوندی را من همین‌جا دیدم. اولاً یک سری آماری دارد که دکتر سخاوت هم به آنها اشاره کردند. آمارها گویای تصویر واقعی نیست.

هزاران جرم و جنایت اتفاق می‌افتد که ثبت نمی‌شود. ولی ما با این مواردی که ثبت می‌شود، نمی‌توانیم مبنای تحقیق قرار دهیم. این موارد، فعالیت نیروی انتظامی را نشان می‌دهد. فعالیت قضات و دادگاه‌ها را نشان می‌دهد. ولی آن تصویر واقعی جامعه را نمی‌تواند نشان دهد. اخیراً یک کتابی را یکی از استادان دانشگاه دلاویز نوشته به نام «دروغهای کثیف و آمار» چون می‌دانید که با آمار می‌شود هر دروغی را بیان کرد. آن استاد که اسمش «جونل برگ» است و استاد باسابقه‌ای است در آنجا نظریه‌ای مطرح می‌کند. نظریه آمارهای اجتماعی، که شما یک رقم سیاه دارید. مثلاً تجاوز به عنف که یک مسئله در آمریکا است، اما هزاران مورد است که گزارش نشده لذا نمی‌توان یا اتکالی به همان آمار مسئله را بیان کنیم و مورد بررسی قرار دهیم.

مسئله توجه به روزنامه کیهان و آمارهایی که در کتاب دکتر سخاوت ذکر شده به نظر من برای یک کتاب آکادمیک یک کمی سبک است، که باید بیشتر مورد توجه باشد.

یک چیزهایی هم در مورد پرخاشگری دیدم که مثلاً در شیکاگو افرادی که از پورتریکو و جاهای دیگر آمده بودند پرخاشگریشان بیشتر از جاهای دیگر بوده است. این خودش یک نظریه دارد که از دکتر ساترلند است. که می‌گوید شما در این محیطی که زندگی می‌کنی و بزرگ می‌شوی در آینده شما تأثیر دارد. تو اول بگو با کیان دوستی

من آنکه بگویم که تو کیستی

دیدم به این موضوع توجه شده ولی در منابع به نظریه ساترلند اشاره نشده است. پیشنهاد می‌کنم اگر قرار است کتاب تجدید چاپ شود، این مبانی نظری فراموش نشود.

عبداللهی: جو جلسه جامعه‌شناسانه است. فکر می‌کنم خیلی متجانس نباشد که دخالت کرده باشم ولی به هر حال این کتابها را که مطالعه کردم به نظرم رسید جنبه‌های روانی و شخصیتی را تا چه حد مهم و درست می‌دانید و دخیل در رفتارهای انحرافی می‌دانید؟ مثلاً کسی یادویی می‌کند و دیگری از دیوار مردم بالا می‌رود؛ خانمی رختشویی می‌کند و دیگری روسپیگری. آیا در اینجا ما نباید این جور فکر کنیم که عوامل اجتماعی یک تعاملی با ویژگیهای شخصیتی افراد دارد؟ حتی ویژگیهای شخصیتی گاهی غلبه می‌کند. مثلاً تیپ شخصیتی A یا اقتدار طلب یا تیپ F و... که مثلاً از آنها اعمال و رفتارهایی بیشتر مورد انتظار است. خوب روانشناسی منکر این نیست که بخش اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد ولی عوامل شخصیتی و روانی را هم بیشتر به آن وزن می‌دهیم. سؤال من این بود که آیا به عوامل روانی هم وزنی داده می‌شود یا در حد اشارات در فهرست کتابها و محدود. الان فکر می‌کنم بد نباشد وزن را به آن طرف داد.

البته سه کتاب نقاط قوتی دارند که ما از آنها می‌گذریم. چرا که زحمات زیادی برای این کتابها کشیده شده است. ولی جلسه، جلسه نقد است. در این سه کتاب نقاط ضعفی است که باید در چاپهای بعدی مورد توجه قرار

بگیرد. همان طور که دوستان هم می‌دانند در به وجود آوردن یک اثر علمی ما یک فرایند به طور عام یا به طور خاص طی می‌کنیم. آن فرایند این است که اولاً ما باید موضوع را بررسی، مشخص و تعریف کنیم. تعریف یعنی اینکه حد و مرز آن را از سایر مصادیق متمایز کنیم. بحثی که امروز هست در رابطه با آسیب‌های اجتماعی یا انحراف یا مسئله اجتماعی در معنای لاتین به معنای deviance است. چرا که هر انحرافی، مسئله اجتماعی است اما هر مسئله اجتماعی انحراف نیست.

نکته دوم که در اغلب منابع مورد توجه قرار گرفته، بررسی و نقد منابع است. جلسه ما، جلسه نقد و بررسی است. کسی که می‌خواهد این کار را انجام بدهد اولین کار این است که به تجارب دیگران رجوع بکند و آنها را نقد و بررسی کند. این نقد و بررسی، حد و مرز دانش علمی و تجربه را مشخص می‌کند. چون دیدگاه‌ها خیلی زیاد است. منابع تجربی هم زیاد است، باید برای خواننده یا برای خودم یک نوع تیپولوژی از این دیدگاه‌ها ارائه بدهم و منابع تجربی را در قالب آن طبقه بندی کنم. من این طبقه بندی جامع را در قالب دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در این کتابها نمی‌بینم. من فکر نمی‌کنم یک خواننده مبتدی از این دیدگاه‌ها به راحتی سر در آورد. می‌دانیم جامعه‌شناسی امروز از تقلیل‌گرایی به سوی تکثر‌گرایی حرکت می‌کند. اگر ما بر روی پدیده‌های واقعی قبلاً تحقیق می‌کردیم و جرم یا انحراف را یک واقعیت اجتماعی می‌شمردیم که باید با دیگر واقعیت‌های اجتماعی تبیین شود و عوامل روانی و شخصیتی نادیده

گرفته می‌شد، امروز سعی می‌شود مسائلی از دیدگاه‌های مختلف بررسی شود. ما امروز دیدگاه‌های خرد و دیدگاه‌های کلان داریم. دیدگاه رفتارگرایی داریم که روی عوامل زیستی و روانی تأکید می‌کنند و... باید مشخص شود منابع تجربی متناسب با کدام دیدگاه جمع‌آوری شده و باید برای خواننده روشن کرد که دیدگاه‌های مختلف وجود دارد و هر دیدگاهی به گونه‌ای بحث می‌کند. اینها مشکلاتی بود که من در این سه کتاب دیدم اما هر سه کتاب در نوع خودش منابع خوبی هستند و در آینده امیدواریم شاهد فعالیتهای بیشتر باشیم.

رئیس دانا: از ایرادها یکی موارد آماری است. قطعاً اگر آمار جامع‌تر و بهتری دست من بیاید آن را اصلاح می‌کنم.

ضرورت دیدن سایر اماکن را درست می‌گوئید من اگر بخواهم این کتاب را کامل بکنم باید اماکن دیگری را هم بررسی کنم.

در مورد اولویت بندی مطالب کتاب و فقدان انسجام، درست است، اما این یک مجموعه گزارش از نتایج تحقیقاتی است و در واقع حجم کار تحقیقاتی من در این زمینه خیلی بیشتر بوده است. این طور نبوده است که اینها روی دست من مانده باشد و من اینها را جمع بکنم. من این را به طور کلکسیون انتخاب کردم چون فکر می‌کردم که مسائل روز جامعه است. ولی در مورد نظریه، حرفتان درست است. من یک نظریه را به طور مشخص مطرح نکردم چون به خودم در این مجموعه اجازه این کار را نمی‌دادم و بیشتر به روش‌شناسی متوسل شده‌ام.

نگرش من سیستمی است و می‌گویم من پایه‌های پدیدآورنده نابهنجاریها را بررسی کردم و دیدم ۸۰ درصد آن فقر و تبعیض است. این که می‌گوئید بعضیها رختشویی می‌کنند و بعضی دزدی می‌کنند، آن هم نباید به خاطر ناداری و وضع طبقاتی اش برود رختشویی. چرا برود؟ اینگونه نیست که چون او این کار را انجام می‌دهد، ما مصیبت اجتماعی را تحمل بکنیم. من جامعه‌شناسی را که علت الکل پدیده را نمی‌بیند و دلایل را خرد می‌کند و می‌گوید مثلاً فلان علت ۳ درصد یا علت دیگر ۴ درصد تأثیر دارد، رد می‌کنم و علت الکل را که تبعیض و عدم عدالت اجتماعی است، بیان می‌کنم. کلام من این است. به قول آن جمله از قول فیلسوفی مذهبی که می‌گفت وقتی من به کسی نان می‌دهم به من می‌گوئید مقدسی و وقتی می‌گویم فقیران نان ندارند می‌گویند کمونیستی.

مسئله من این نیست که در این جامعه عوامل جزء چگونه عمل می‌کنند. این مورد تحقیق من نبوده است. این که این عوامل تربیتی گرایشهای مختلف در باره بزهکاری و جرم به دست می‌دهند مورد نظر من نیست. ولی یک علت العللی دارد که این را به این وضعیت می‌کشاند. بحث من این بوده است که بگویم روش‌شناسی پوزیتیویستی که عوامل را تک تک جدا می‌کند و ارتباطش را با کل سیستم اجتماعی نادیده می‌گیرد، فقر و ستمگری و جباریت را که مشخصاً رده‌های بالا دست به هر کاری می‌زنند و گیر نمی‌افتند در نابهنجاری کل سیستم این به نظر من خیلی مهم است.

در مورد این که گفتند کتاب بیشتر کاربردی است، بله همین طور بوده است ولی انتخاب من به خاطر احساسم بوده است و این دردها را من به تجربه، با حضورم و به گونه مطالعه میدانی دیدم و باید تحقیق را انجام می‌دادم.

رئیس دانا:

من بیشتر در چارچوب روش سیستمی کار کردم،

مرزهای سیستمی موجود باید شناخته شود

و علل اصلی ایجاد انحرافات اجتماعی در این نظام

باید ریشه یابی شود

حسن نژاد:

در کتاب دکتر رئیس دانا،

آسیب‌های اجتماعی به فقر تقلیل یافته است

و به مسائل بین ذهنی و فرهنگی توجه نشده است

مشکاتی:
در کتاب دکتر شیخاوندی و دکتر سخاوت،
در ارائه آمارها
معیارهای علمی رعایت نشده است

این که گفته‌اید هدف بعضی تحقیقات گفته شده و بعضی گفته نشده، درست است. نمی‌دانم این چقدر علمی است. هدف من شناخت آسیب و آسیب‌شناسی است. می‌خواهم بگویم علت العللی را که من پیدا کردم در مواد مخدر فقر است. وقتی ۴۵۰ هزار نفر بیکار در سطح خراسان داریم و ۵ کیلو تریاک اعدام دارد. فرد بیکار ۴/۵ کیلو بر می‌دارد و می‌آید و گیر می‌افتد، این برمی‌گردد به بیکاری و فقر. اما نمی‌گویم که همه اینها منحصراً مربوط به اقتصاد می‌شود.

راه حلها را که می‌گویید اقتصادی‌اند، جرم‌شناس گاهی به ریشه جرم نمی‌خواهد بپردازد، دو عنصر عامل جرم و ابزار جرم برایش مهمتر است. اگر جامعه‌ای آزادانه و دموکراتیک داشته باشیم ابزار اصلی کنترل اجتماعی را به دست آورده‌ایم. اما حرف من این نیست که جرم به طور کلی نخواهیم نداشت. خلاصه روش‌شناسی من رادیکال است و در اصلاح مواردی که گفتید حتماً اقدام می‌کنم.

شیخاوندی: جلسه خیلی فورمالیته برگزار شد، حضار اصلاً کتابها را نخوانده‌اند و همان‌طور ورق زدند و این انتقاد به خود منتقدین وارد است. در مقدمه کتاب، من طرز درست کردن لغتها را آورده‌ام و دو فصل تمام درباره نظریات آورده‌ام. در مورد نظر دکتر عبداللهی، در هیچ کتاب درسی، مجموع نظریات دیگران را نقد نمی‌کنند. کتاب «Social Problem» مرتن را باز کنید. از آن ابتدا مطالب را به طور سیستماتیک نقل می‌کند... در موقعی که شما تحقیق می‌کنید شما نظریه می‌دهید و می‌گویید شما آن نظریات را رد می‌کنید و یک نظریه جدید می‌دهید. نوشتن کتاب درسی مهارت خودش را می‌خواهد.

انتظار من از یک جلسه نقد خیلی بیشتر از این بود. اگر خودمان (نویسندگان) این کتابها را نقد می‌کردیم، نقدها بیشتر از این بود.

سخاوت: کتاب دکتر شیخاوندی به لحاظ ارائه آمار جرم در ایران راضی کننده نیست. در پاسخ، یک انتقاد از همکاران که چرا در بحث مسائل و آسیبهای اجتماعی در ایران به مسائل روان‌شناسی توجهی نشده، تذکر یک نکته لازم است. هر رشته‌ای باید مسائل اجتماعی را از زاویه دید مختص به خود مطرح نماید. جامعه‌شناس به لحاظ نظری از بعد عمیق‌تر به ریشه مسائل اجتماعی نگاه می‌کند.

توکلی: در مورد کتاب دکتر شیخاوندی عرض کنم اینکه دانشجو باید بداند منظور از پشتوانه نظری چیست و منظور از نظریه‌های مسائل جامعی چیست؟

در فصل سوم، عنوان «پشتوانه نظری» آمده، اما پشتوانه نظری برای چی؟ برای نظریه‌های جامعه‌شناسی؟ دیگر اینکه زیرنویس اضافی در کتاب و همین‌طور در متن فراوان وجود دارد. هرچند اینها معلومات مفیدی است ولی باید اطلاعات در حد کتاب باشد. و باید سعی شود اطلاعات تخصصی‌تر آورده شود و دیگر اینکه این اطلاعات را در جای جای کتاب تکرار نکنید.

در مورد واژگان، شما باید یک واژه انتخاب کنید و ارجح بدانید و واژه‌های مختلف را با یک معنا نیاورید. مثلاً در مورد واژه «آنومی»، بی‌هنجاری و... که در کتاب آورده شده است. اگر قرار باشد این کتاب ترجمه شود چه واژه‌ای برای این تعداد واژگان به کار می‌رود؟
استین افشان: مشکلی که وجود دارد و برای من یک سؤال است این است که چرا ما نظریه پرداز نداریم؟ چرا نظریاتی وجود ندارد که

عبداللهی:
این سه کتاب در نوع خود منابع خوبی هستند
اما نقضی که در آنها وجود دارد این است که
دیدگاههای نظری مختلف و منابع تجربی در آنها ارائه
و طبقه بندی نشده است

براساس آنها مطالعات صورت بگیرد؟ جامعه‌شناسان غربی نظریاتی را که دادند متناسب با موقعیت اجتماعی خودشان بوده است و شاید زیاد به درد کشور ما نخورد. لذا مشکلی که برای ما وجود دارد این است که ما ضعف نظریه‌پردازی داریم. وقتی ما در شوراها شروع به تحقیقاتی می‌کنیم ابعاد نظری را مطرح می‌کنیم. اما وقتی به عمل می‌رسیم، نمی‌توانیم آن نظریه‌ها را به کار ببریم. در حال حاضر در وزارت کشور جلسات و همایشهایی برای آسیبهای اجتماعی برگزار می‌شود. ولی هیچ مشکلی حل نمی‌شود. چرا ترتیبی نمی‌دهید که جامعه‌شناسان با مسئولین کشور هماهنگ عمل کنند؟

عبداللهی: جلسه نقد بود و ما تجربه کافی نداشتیم، ولی به نظر من شروع آن قابل تقدیر است. برخورد با انتقادات باید منطقی باشد. بنده به هر سه کتاب مراجعه کردم. نکات مثبت زیادی هست و نکاتی منفی که شاید مورد قبول سروران قرار نگیرد. دکتر رئیس دانا که خودشان معترف شدند که کتاب بیشتر جنبه تجربی دارد. اما در دو کتاب دیگر من آن انسجام را ندیدم. مؤلف باید انسجام مطالب را خودش در نظر بگیرد و در مقدمه، در نظر داشته باشد که مثلاً بگوید من می‌خواهم راجع به انحرافات صحبت کنم و انحرافات یعنی این... و در رابطه با این موضوع این نظریات و دیدگاهها وجود دارد و بعد هم یک طبقه بندی از مطالب انجام بدهد.